

فرهنگ‌سازی، از تئوری تا عمل



نسیم نمازی  
روزنامه‌نگار

این روزها بحث فرهنگ‌سازی، به وفور شنیده می‌شود اما وقتی به گفته‌ها گوش می‌دهیم به سرعت درمی‌یابیم که این افراد بعضاً کوچکترین آشنایی با چگونگی شکل‌گیری فرهنگ و تغییرات بافتاری و ساختاریش ندارند. فرهنگ در اصل نیاز یک جامعه است. مجموعه این نیازها و پاسخ‌ها نیازساز به این نیازها در چیزی به نام فرهنگ رخ‌نمایی می‌کند. نیاز به نظم مهم‌ترین شاخص در یک سامانه فرهنگی است. جوامع نیاز دارند تا خواسته‌های آنها از یک نظم و قاعده‌ای پیروی کنند تا حقوق همه افراد بر اساس آن قواعد تأمین شود. در مسیر رشد و تکوین جوامع این نیازها تغییر کرده و قواعد هم مطابق با آن تغییر می‌کند. به این ترتیب روشن است که فرهنگ امری لایتغیر نیست. به دیگر سخن اول این نیاز است که ایجاد شده و سپس قوانین به دنبال آن برای قانونمند کردن نیازها ساخته می‌شود. در این میان نیازهای طبیعی از مهم‌ترین این نیازهاست. نیازهایی چون خوردن یا میل جنسی، جوامع هر چه عقب مانده‌تر باشند برآورده شدن این نیازها سهل‌تر بوده و انسان‌ها آموزش کمتری در کنترل آنها دیده‌اند. پس ناگزیر قوانین در مورد این نیازها می‌تواند تا تحریم خصوصی هم دامنه‌دار باشد. با گسترش آموزش، انسان‌ها یاد می‌گیرند که باید غرایز خود را کنترل کنند؛ یعنی خشم و حسادت مجوزی برای اعمال خشونت نیست. دیگر فرد گرسنه با شنیدن بوی کباب به مغازه کبابی حمله نمی‌کند. خداوند را سیاسی که جامعه ایران در حوزه فرهنگ هم، پیشروست. اما ایثانی که هر روز از فرهنگ‌سازی صحبت می‌کنند، نمی‌دانند که فرهنگ با دستور ساخته نمی‌شود. برعکس فرهنگ می‌آید تا قدرت فردی و حکومتی را با نهادسازی محدود کند. مسأله دیگر، مسأله فرهنگ سازان است. این گروه کسانی هستند که با دید علمی و منطقی از وجاهت برخوردارند و لازم‌الاجتناب چینی‌هاست. جوامع هر چه عقب مانده‌تر به این افراد برای دادن اطلاعات غلط تلاش کنند تا خواسته حمله تکراری «از بین رفتن نهاد خانواده در غرب به علت نبود حجاب» است. این گزاره به تنهایی کافی است، برای سوال‌های متناقض زیادی را دربردارد. آیا فقط در غرب، حجاب نبوده و در شرق پوشش حجاب برقرار است؟ بالاخره این مردم فلیلم‌ها و سریال‌های ژاپنی، چینی و هندی کم ندیده‌اند. بخشی از جامعه با سریال‌ها اوشین و هانیکو بزرگ شده‌است و اگر در شرق هم امروز چیزی به نام حجاب وجود ندارد، وضعیت بنیان خانواده به چه صورت است؟ آیا در آنجا هم بنیان خانواده گسسته؟ اگر جامعه هدف برای گویندگان چنین گزاره‌هایی، جامعه سنتی است که آنها طبعاً به دلیل همان سنتی بودن، پوشش سنتی هم دارند. اگر جامعه هدف نسل امروزی است، این سخنان، تنها باعث دوری بیشتر آنها می‌شود. فرهنگ‌سازی نیاز به استدلال‌هایی دارد که از سوی اکثریت جامعه پذیرفته شود. اگر بعد از گذر سال‌ها، وضعیت فرهنگی بدین چار رسیده، به سادگی به شما می‌گویند که راه خطا بوده و به قول اینشتین «ما نمی‌توانیم مشکلات مان را با همان طرز فکری حل کنیم که با آن، مشکلات را به وجود آورده‌ایم». قوانین باید از سوی جامعه پذیرفته شوند؛ چراکه قوانین قرار است تأمین‌کننده حقوق آنها باشد. اگر قانون به چالش بدل می‌شود، دلیلش صحبت امر ساده‌است که این قانون نه تنها تأمین‌کننده مصلحت افراد نیست. در همه جوامع کسانی هستند که شخصیتا اجتماع‌ستیز و در نتیجه قانون‌گریزند. آنها نه اقلیت که اندکند و نادر. اگر قانونی از سوی مردم رعایت نشد مشکل نه در فرهنگ که در جای دیگری است و باید ریشه آن حل شود یا جریحه و تهدید، فرهنگ ساخته نمی‌شود. فرهنگ از خرد جمعی زایش یافته و با همان مسیرش را ادامه می‌دهد.

خبر

انتقاد مایک پنی از بایدن

معاون رئیس‌جمهور پیشین آمریکا با استقبال از آزادی جاسوسان آمریکایی بازداشت شده در ایران مدعی شد که جو بایدن بزرگ‌ترین باج تاریخ کشورش را به ایران داده است. مایک پنی با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس به آزادی پنج جاسوس آمریکایی که بیشتر در ایران بازداشت شده بودند، واکنش نشان داد. پنی نوشت: در حالی که من از آزادی ۱۵ آمریکایی استقبال می‌کنم، مردم آمریکا باید این را بدانند رئیس‌جمهور بایدن بزرگ‌ترین باج در تاریخ آمریکا را به تهران پرداخت کرده است. به گزارش ایسنا، مایک پنی در ایران در روز پنجشنبه در رابطه با اخبار منتشر شده در برخی رسانه‌ها مبنی بر آزادی جاسوسان آمریکایی در ازای آزادسازی شش میلیارد دلار از پول بلوکه شده ایران در کره جنوبی به شبکه سی‌بی‌اس اعلام کرد: به عنوان بخشی از توافق همکاری پسر دوستانه که با میانجی‌گری یک دولت ثالث حاصل شده است، ایران و آمریکا پذیرفته‌اند که متقابلاً پنج نفر را آزاد و آنها را عفو کنند. جابه‌جایی امروز آنها گام ابتدایی حائز اهمیتی در جهت اجرای توافق است. سی‌بی‌اس به‌علاوه گزارش داد که اگر توافق پیش برود، این زندانیان احتمالاً در ماه سپتامبر (شهریور - مهر) به کشورهای خود بازمی‌گردند. همچنین دفتر نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در واکنش به خبر توافق تهران و واشنگتن طی پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: ما از اخباری مبنی بر آزادی پنج جاسوس آمریکایی و انتقال آنها به حصر خانگی در ایران استقبال می‌کنیم. با زمانیه که آنها از ایران عزیمت نکنند و به عزیزان‌شان ببینند، استراحت نخواهیم کرد. سیامک نمازی عماد شرقی در سال ۱۳۹۹ به جرم جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات نظامی و مراد طاهرباز در سال ۱۳۹۸ به جرم جاسوسی از مراکز حساس نظامی در پوشش محیط‌زیستی، هر کدام به ۱۰ سال حبس محکوم شده بودند. از دو تن دیگر که گفته می‌شود یک نفر از آنها زن بوده، نامی آورده نشده است.

دکتر عبدالحسین مختاباد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

# هنرمند باید طرف مردم باشد

میراث سیاسی شجریان شایسته موسیقی ایران را بالا برده است

اندیشمندان و هنرمندان ضربه بگیر بین حکومت و جامعه هستند

در زمینه‌های فرهنگی با آثار شی مواجه هستیم



حاکمیت به هنرمندان و روشنفکران اعتماد کند بسیاری از اتفاقات ناگوار رخ نمی‌دهد

آرمان ملی - احسان انصاری: فضای فرهنگی و هنری جامعه ایران همواره در اولویت‌های بعدی دولت‌ها قرار داشته و به‌رغم اینکه فرهنگ یک جامعه مانند موتور محرکه آن قلمداد می‌شود اما در دهه‌های گذشته فرهنگ و هنر کشور همواره اسیر سیاست بوده است. آثار و پیامدهای این اتفاق نیز در ساحت‌های مختلف فرهنگی و هنری جامعه قابل مشاهده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی فضای فرهنگی و هنری جامعه ایران و نقش هنرمندان در تحولات اجتماعی با دکتر عبدالحسین مختاباد خواننده و عضو سابق شورای شهر تهران گفت‌وگو کرده است. مختاباد معتقد است فرهنگ و هنر هیچ‌گاه از مسائل سیاسی جدا نبوده است. اگر به اشعار بزرگان ادبیات فارسی مانند حافظ، سعدی، فردوسی و... دقت کنیم متوجه می‌شویم که مسائل سیاسی در این اشعار وجود دارد. این وضعیت در دوران معاصر نیز وجود دارد و اگر از منظر جامعه‌شناسی سیاسی به ادبیات معاصر توجه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که به چه میزان هنر و ادبیات به مسائل سیاسی گره خورده است. حافظ در این زمینه می‌فرماید: دل طریق رندی از محتسب پیاموز / است و در حق او کس این گمان ندارد. «این نوع ادبیات به صورت مستقیم با سیاست درگیر است. البته در هر عصری میزان ارتباط سیاست و فرهنگ و هنر متفاوت است. شاید در یک عصر دخالت فضای سیاسی در فرهنگ و هنر محدود بوده، اما در جهان امروز اغلب امور روزمره به مسائل سیاسی گره خورده است. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

هنر محدود بوده اما در جهان امروز اغلب امور روزمره به مسائل سیاسی گره خورده است.

با توجه به گنجینه فرهنگی ایران در زمینه موسیقی آیا موسیقی که جوان امروز ایرانی گوش می‌کند در نقطه مطلوب قرار دارد؟ آیا ما موفق شده‌ایم از این گنجینه فرهنگی که در اختیار ما قرار گرفته به خوبی استفاده کنیم؟

یکی از چالش‌های کشورهای ایران در زمینه موسیقی هستند ریخت و پاش‌هایی است که در این زمینه وجود دارد و باعث خسران و خسارت می‌شود. یک طرف جامعه قرار دارد و در طرف دیگر صاحبان قدرت قرار دارند که دست‌به‌دست هم می‌دهند و این اسراف را به وجود می‌آورند. نکته رانیز باید در نظر گرفت که هر نسلی موسیقی مخصوص به خود را دارد. در پروسه ادبیات فارسی نیز نوع حرف زدن ماد در دهه هفتاد با حرف زدن نسل امروز متفاوت است. با این وجود آنچه من در فضای فرهنگی جامعه امم از سینما، موسیقی، تئاتر، هنرهای تجسمی و... مشاهده می‌کنم یک نوع آنارشویی است که یک یک خطر جدی برای فرهنگ کشور به شمار می‌رود.

چرا با این وضعیت مواجه هستیم؟

هنگامی که در یک جامعه فضای سیاسی تلاش می‌کند خود را بر همه امور مسلط کند به صورت طبیعی کسانی که اهل خرد و اندیشه هستند با دو راه بیشتر مواجه نیستند. این افراد یا نسبت به وضعیت موجود اعتراض می‌کنند و یا سکوت می‌کنند. در جوامع جهان سوم اگر این افراد اعتراض کنند با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند. به همین دلیل ترجیح می‌دهند سکوت کنند. شرایط به شکلی می‌شود که در کشور ما برخی به دلیل بیان دیدگاه‌ها و انتقادات خود اجازه کار نیز پیدا نمی‌کنند. در چنین شرایطی است که عرصه برای کسانی باز می‌شود که تحت هر شرایطی حاضر هستند کار کنند و اغلب کارهای سخیفی را ارائه کنند. این افراد بیشتر به دنبال جمعیت و کف و سوت و هورا هستند و به صورت طبیعی از حمایت‌های مالی نیز برخوردارند.

چرا فرهنگ و هنر در ایران تحت تأثیر مسائل سیاسی قرار داشته است؟

فرهنگ و هنر هیچ‌گاه از مسائل سیاسی جدا نبوده است. اگر به اشعار بزرگان ادبیات فارسی مانند حافظ، سعدی، فردوسی و... دقت کنیم متوجه می‌شویم که مسائل سیاسی در این اشعار وجود دارد. این وضعیت در دوران معاصر نیز وجود دارد و اگر از منظر جامعه‌شناسی سیاسی به ادبیات معاصر توجه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که به چه میزان هنر و ادبیات به مسائل سیاسی گره خورده است. حافظ در این زمینه می‌فرماید: «ای دل طریق رندی از محتسب پیاموز / است و در حق او کس این گمان ندارد.» این نوع ادبیات به صورت مستقیم با سیاست درگیر است. البته در هر عصری میزان ارتباط سیاست و فرهنگ و هنر متفاوت است. شاید در یک عصر دخالت فضای سیاسی در فرهنگ و هنر محدود بوده اما در جهان امروز اغلب امور روزمره به مسائل سیاسی گره خورده است.

صاحبان قدرت باید این موضوع را در نظر بگیرند که هنرمندان به عنوان چشم و گوش بینا و شنوای جامعه می‌توانند بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی را پیش‌بینی کنند و مانند یک پزشک برای آن راه‌حل ارائه کنند. در چنین شرایطی سیستم سیاسی دو راه حل دارد: نخست اینکه نسبت به نسخه پزشک بی‌اعتنا باشد و آن را دور بیندازد و دوم اینکه این نسخه را جدی بگیرد و یا با پزشکان دیگری نیز مشورت کند و در نهایت به یک جمع بندی برسد. به همین دلیل اگر سیستم سیاسی به هنرمندان و روشنفکران جامعه بها بدهد و به دیدگاه‌ها و انتقادهای دلسوزانه آنها توجه کند بسیاری از اتفاقات ناگوار در جامعه رخ نمی‌دهد



که چه اتفاقی رخ داده که کار به این نقطه رسیده است. هنگامی که جامعه با چالش‌هایی حتی در زمینه تمامیت ارضی مواجه می‌شود کسانی که اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... را در اختیار دارند باید در سیاست‌هایی که در پیش گرفته‌اند تجدیدنظر و برخی امور را اصلاح کنند. مقصر چنین وضعیتی هنرمندان و روشنفکران نیستند که به دلایل مختلف نادیده گرفته شده‌اند. نکته دیگر اینکه چه اشکالی دارد کسانی که مسبب چالش‌های کنونی بوده‌اند از مردم عذرخواهی کنند. عذرخواهی یک سیستم نه تنها به معنای شکست نیست و بلکه بزرگ نشی آن را نشان می‌دهد. هنرمند در اغلب جوامع خواسته یا ناخواسته علیه قدرت قرار دارد. امکان هم‌نشینی هنرمند با قدرت در حد صفر است و چنین چیزی امکان پذیر نیست. این یک قاعده است که در طول تاریخ نقش بسته و کسی نیز دلیل آن را نمی‌داند. بسیاری از هنرمندان بزرگ موسیقی جهان مانند بتهوون، موتزارت، باخ و... در بزرگ‌های سیاسی علیه قدرت موضع گرفته‌اند و در این مسیر آثار گرانبهایی را برای بشریت به یادگار گذاشته‌اند. در شرایطی که جامعه ملتبه شده و مردم مطالباتی دارند هنرمند نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. هنرمند سمت مردم است. اعتراضاتی که در پاییز ۱۴۰۱ رخ کرد خرد یک اتفاق عادی نبود. در چنین شرایطی سرزنش کردن هنرمندان راه‌کار نیست و بلکه راه‌کار اصلی حل مشکلات مردم به صورت عمیق است. ممکن است یک بیمار با یک قرص مداوا شود اما این احتمال نیز وجود دارد که یک بیمار برای به دست آوردن سلامتی خود نیاز به یک جراحی بزرگ داشته باشد. این وضعیت در باره جامعه نیز وجود دارد.

شما عنوان می‌کنید هنرمند باید طرف مردم باشد. این در حالی است که در ماه‌های اخیر برخی از هنرمندان که در زمینه هنری کارنامه موقفی نیز داشته‌اند رویکرد دیگری در پیش گرفته‌اند. دیدگاه شما درباره این نوع از هنرمندان چیست؟

باید به خواست افکار عمومی احترام گذاشت. اینکه کسی بر خلاف دیگری موضع گیری کرده را نمی‌توان متهم کرد. هر کسی دیدگاه و عقیده خاص خود را دارد. چه بسا چنین هنرمندانی هنگامی که کار هنری انجام می‌دهند بر خلاف مواضع خود عمل می‌کنند. باید به آزادی اندیشه احترام گذاشت. هنگامی که نزاعی صورت می‌گیرد در صورت طبیعی برخی این طرف و برخی دیگر در طرف مقابل قرار می‌گیرند.

یکی از چهره‌های برجسته فرهنگی و هنری که هیچ‌گاه با مردم خط کشی نداشت و همواره در طرف مردم ایستاده بود استاد شجریان بود. شجریان چه میراث اجتماعی و سیاسی از خود به یادگار گذاشت؟

شجریان یک اسطوره فرهنگی بود که در حدود نیم قرن تأثیر شگرفی در بعد کمی و کیفی در موسیقی ایران از خود به یادگار گذاشته است. شجریان در جنبه‌هایی که همراه با قهر بوده نیز همچنان هنر خود را پیش برده است. شجریان در زمان حیات تأثیرگذاری اجتماعی و سیاسی داشت و در نهایت نیز باشکوه و عظمت از جهان رخت پرست. تأثیری که شجریان از نظر سیاسی و اجتماعی بر موسیقی ایران گذاشته موسیقی را در جامعه ایران بالا برد و جود داد. شجریان شعبه یا بخشی در موسیقی ایران به وجود آورد که موسیقی بایدنسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی واکنش داشته باشد. نکته دیگر اینکه آثار شجریان که جنبه سیاسی و اجتماعی دارد به نمادی از اعتراض اجتماعی در کشور تبدیل شده است. یک هنرمند هنگامی که یک اثر را خلق می‌کند به خوبی می‌داند که چه اتفاقی برای اثرش خواهد افتاد.

از اصلاحات اجتناب‌ناپذیر در آینده صحبت کردید. این روند به چه شکل و در چه مسیری شکل خواهد گرفت؟

هنگامی که ماشین آمد کسانی که ارابه و اسب داشتند در مقابل آن مقاومت می‌کردند. با این وجود در نهایت ارابه و اسب به تاریخ سپرده شد و تغییر صورت گرفت. این وضعیت درباره جامعه ایران نیز وجود دارد. شاید اگر حاکمیت در دهه هفتاد با نسل جدید مدارا و تعامل بیشتری می‌کرد امروز شرایط به این نقطه نمی‌رسید که جامعه نیاز به جراحی داشته باشد. ای کاهش در دهه شصت مهندسی معکوس می‌کردند و با تقویت زیرساخت‌ها، عدالت اجتماعی، توسعه اقتصادی و ارتباط موثر با جهان امروز کشور را به جایی می‌رساندند که در نقطه قابل قبول‌تری قرار می‌گرفت.

یکی از مولفه‌های مهم در مذاکرات کشورها، تعیین راهبردها و روش مذاکره، تعیین چارچوب خواسته‌ها و اهداف و در نهایت برآورد مولفه‌های سیاست داخلی و اجماع سیاسی برای آغاز هر مذاکره‌ای است. دولت‌های بعد از انقلاب در موقیعت‌های مختلف، مذاکرات مستقیمی را با آمریکا انجام داده‌اند. مذاکره حول محورهای خاصی همچون مسأله افغانستان، عراق، آزادسازی زندانی‌ها و برجام از نمونه‌های مذاکره مستقیم ایران و آمریکا بود که دو طرف ایرانی و آمریکایی دور یک میز مذاکره برای منافع خود مذاکره کردند. از این رو باید تمام حرکات پازل آمریکا در خاورمیانه را از سال ۲۰۰۳ (دولت بوش) تا به امروز (اوباما - ترامپ) به ویژه پرونده هسته‌ای ایران و دو دوره سخت و طاقت‌فرسای تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، در این چارچوب ارزیابی می‌شود. سیاستی که نقطه مقابل استراتژی ایران برای تقویت محور مقاومت در خاورمیانه و افزایش هژمونی با کمک به گروه‌هایی است که هدف آن‌ها نیز کاهش حضور منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه است. این در حالی است که بعد از روی کار آمدن جو بایدن، تلاش دولت دوادم برای احیای برجام به مذاکرات وین ۶ منتهی شد. این مذاکرات را که عباس عراقچی مدیریت می‌کرد، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ با مانع جدی از سوی جریان‌های سیاسی منتقد دولت روحانی در مجلس یازدهم مواجه شد. آن زمان این ایده در نمایندگان حامی ابراهیم رئیسی مطرح شد که به‌رغم مذاکرات تیم عباس عراقچی و بدست آوردن امتیازات قابل توجه از طرف آمریکایی، مذاکرات تا بعد از انتخابات متوقف شود تا دولت جدید سیزدهم، به پیشنهاد سرمایه اجتماعی و بدست بالاتر به مذاکرات بازگردد. موضوعی که دست کم شش ماه به طول انجامید و مقدمه مذاکره علی باقری معاون رئیس‌جمهور است. دولت رئیسی با طرف اروپایی‌ها، در آبان ۱۴۰۰ فراهم شد. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد به‌رغم حاکمیت یکدست اصولگرها، علی باقری با مواضع جدی در داخل، برای پیشبرد مذاکرات مواجه شد. رئیسی تقریباً بعد از یکسال از توقف مذاکرات وین ۶، نتوانست مذاکره غیر مستقیم با آمریکا را با تیم جدید خودش به سر برستی علی باقری به نتیجه برساند. از این رو مذاکرات ایران و آمریکا که تا وسیله‌گری روسیه در حال انجام بود، با آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین و تغییر آرایش نظام بین‌الملل تا به امروز متوقف مانده است. تاخیر و شکست در مذاکرات ایران و آمریکا اساساً ریشه در سیاست «نگاه به شرق» دارد. با توجه به این ذهنیت در مقابل فضای عملیاتی بین‌المللی ایالات متحده دیگر قدرت هژمونیک نیست و کشورهایی مانند چین قطب‌های آینده نظام بین‌الملل هستند. بر اساس، ایران تمرکز دولت بایدن بر مهار چین را نشان دهنده قدرت و توانایی رو به رشد پکن برای وادار کردن ایالات متحده به تغییر جهت دادن خود به خارج از خاورمیانه می‌داند. از نظر ساختار، هنجاری نیز حاکمیت ایران معتقد است که در بحبوحه ظهور پوپولیسم و جریان‌های راست افراطی در نمود کراسی‌های غربی نظم لیبرال رو به افول است. حالا و بعد از سه سال از توقف مذاکرات ایران و آمریکا که امید می‌رفت، دولت سیزدهم، نتوانند با دریافت امتیازات بیشتر و با رفع تحریم‌ها، زمینه‌های لازم برای رشد تولید و مهار تورم را فراهم آورند. حال به نظر می‌رسد بررسی دلایل شکست مذاکره با آمریکا، خواهد توانست چشم اندازی از مسیر پیش‌رو برای تصمیمات جدید را فراهم آورد.

دلایل شکست

ابراهیم رئیسی در برآورد خود از سیاست خارجی ایران، معتقد به اولویت مذاکره با آمریکا برای رفع تحریم‌ها نبود. رئیسی معتقد بود می‌توان هم‌زمان با تحریم‌ها، به پیشرفت اقتصادی رسید و معیشت مردم را سامان داد. چه آنکه مذاکره، ابزاری است برای رفع تحریم و هدف اصلی تمام دولت‌های قبل از رئیسی که مذاکره را به عنوان ابزار دیپلماتیک پذیرفتند، رفع تحریم‌ها بود که در هر صورت در دولت رئیسی، نه تنها محقق نشد بلکه به تعداد تحریم‌های حقوق بشری ایران افزوده شد. دیگر اینکه، رئیسی در انتخاب تیم مذاکره کننده با آمریکا با تردید در انتخاب کرد، که ملا معتقد به دستیابی به نتیجه در مذاکره با آمریکا نبودند و مذاکره را به استناد تجربه قبلی این افراد، ابزاری برای بیان آرمان‌های خود می‌دانستند. منتقدان سرخست مذاکره با آمریکا در دولت دوازدهم، جلال در جایگاه مذاکره کننده قرار گرفته بودند و این موضوع، نمی‌توانست مذاکره کنندگان را در برابر تیم‌های حقوقی قدرتمند رقیب، به اهداف تعیین شده برساند. رئیسی ۲ سال فرصت داشت تا با ارتقای حاکمیتی قوه مجریه، سرمایه اجتماعی مهم‌ترین مولفه از میان عوامل موثر بر مذاکرات است که دولت‌ها را در حضور قدرتمند در مذاکرات موفق می‌کند. مولفه‌های که روحانی به آن در سال ۱۳۹۲ مذاکره مستقیم با آمریکا را آغاز کرد. از سوی دیگر کنار گذاشته شدن تیم‌های حقوقی مسلط به مذاکره با آمریکا، دست دولت را در بکارگیری دیپلمات‌های کارآموزده بست. گره خوردن مذاکرات ایران و آمریکا برای رفع تحریم‌ها با جنگ روسیه و اوکراین، حمایت روسیه و چین از حق امارات بر جزایر سه گانه ایران در خلیج فارس، نمایانگر نگاه بیش از اندازه رئیسی به برابرت‌های شرقی و برهم خوردن توازن دیپلماتی بین شرق و غرب، آن هم در شرایطی بود که دولت در زمینه اقتصاد، در موضع مطلوبی قرار نداشت.